بررسی موضوعی شمایل‌نگاری پیامبر اسلام (ص) در نگارگری دوره ایلخانی و حضرت مسیح در نقاشی مذهبی بیزانس متاخر

مهناز شایسته‌فر
کتایون کیان
زهره شایسته‌فر

چکیده:

شمایل‌نگاری، سنتی است که بیش از همه در حیطهٔ هنر مذهبی و قدسی می‌گنجد. شمایل‌ها چیزی را که از طریق شباهت فیزیکی نمی‌توانند یا درصدد بیانش نیستند، به زبان انتزاع، رمزپردازانه بیان، می‌کنند. نگارگری اسلامی در دوران اموی تحت تأثیر دو عامل اصلیِ، کلاسیک و ایرانی بود. با طلوع عصر عباسی عنصر ایرانی غلبه پیدا کرد و تأثیرگذار اصلیِ شناخته شد. اما در پایان سده دوازدهم هجری/ ششم میلادی نوآوری متأثر از عناصر کلاسیکی- بیزانسی، بینش هنری در نگاره‌های اسلامی به جایگاه شایسته خود دست یافت.

شمایل‌نگاری از دیدگاه هنر مسیحی، به نقاشی تصویر مسیح و مریم عذرا باز می‌گردد. در سده‌های میانه، نگرش مسیحیت به عهد عتیق بر این اصل متکی بود که تقریباً همه حوادث ذکر شده به‌گونه‌ای استعاری و رمزی، ظهور مسیح و گوشه‌هایی از حوادث مربوط به زندگی و مرگ او و نیز گسترش بعدی آیین وی را خبر می‌دهند.

این بررسی نشان می‌دهد نقاشی اسلامی بیشتر از نقاشی بیزانس تاثیر پذیرفته و موضوعاتی همچون تولد، غسل مسیح، خیانت، در ایشان(حضرت محمد ومسیح)، تعامل بین مسلمانان و مسیحیان، معراج و کشته شدن مسیح موضوعات متشابهی است.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۵/۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۵/۲۳

اهداف مقاله:

۱. مقایسه موضوعی و تکنیکی شمایل‌نگاری پیامبران در نقاشی مسیحی و اسلام در دوره ایلخانی و بیزانس متأخر.
۲. بررسی جایگاه پیامبران در نقاشی مذهبی مسیحی و نگارگری اسلامی.

سوالات مقاله:

۱. جایگاه پیامبران در نقاشی مذهبی مسیحی و نگارگری اسلامی چگونه است؟
۲. وجوه افتراق و تشابه شمایل پیامبران در نقاشی مسیحی و در نگارگری اسلامی کدام است؟

واژگان کلیدی: نگارگری اسلامی، نقاشی مذهبی مسیحی، شمایل‌نگاری، پیامبران.

دانشیار گروه هنر اسلامی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر مسئول مرکز تحقیقات هنر اسلامی نگاره
shayestm@modares.ac.ir

دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران
Ktayounkian55@gmail.com

کارشناس ارتباط تصویری دانشگاه علم و فرهنگ.

این مقاله با استفاده از طرح تحقیقاتی "تأثیر هنر شیعی بر گسترش فرهنگ اسلامی" مربوط به مرکز تحقیقات هنر اسلامی نگاره تدوین شده است.

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

از جمله وقایع مهم تاریخ، ظهور ادیان الهی اسلام و مسیحیت است که هر یک، منشأ تحولات بسیاری در زندگی بشر بوده‌اند. تعالیم و دستورات دینیِ فردی و اجتماعیِ ادیان مختلف، توصیه‌هایی منطبق با ایدئولوژی خود دارند و فعالیت‌های پیروان خود را در جهتی خاص هدایت می‌کنند.

نتایج این تأثیرگذاری در شکل‌گیری و فراز و فرود بسیاری از هنرها مشهود است. حمایت معنوی دین و یا تحریم شرعی از مهم‌ترین عوامل شکوفایی یا عدم پیشرفت هنر در مسیر تاریخ بوده است.

هنر نگارگری و شمایل‌نگاری مثال بارزی است که همواره تحت تأثیر منع و تایید دینی بوده است. این هنر در اسلام و مسیحیت با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی هر یک از این ادیان از ویژگی و جایگاه‌های متفاوتی برخوردار بوده است که بخشی از آن در این مقاله محل بررسی خواهد بود.

البته در این فرصت کوتاه تنها به بررسی شمایل‌نگاری پیامبران در دوران ایلخانان مغول در ایران و دوره مقارن با آن، قرون وسطی در اروپا (بیزانس متأخر)، پرداخته می‌شود. علت این انتخاب، تماس و تبادل دو فرهنگ اسلامی و مسیحی در دوره ایلخانی و تغییر و تحولات مذهب، هم در ایران و هم در اروپای قرون وسطی است.

بر خلاف مسیحیان و بوداییان که شمایل‌نگاری یکی از بخش‌های مهم آموزه‌های دینی آنان محسوب می‌شود تا پیش از سده چهاردهم/ هشتم، نگارگری مذهبی در میان مسلمانان جایگاهی ندارد. ایرانیان مسلمان از هر نوع تجسم موضوعات و مضامین دینی اکراه دارند.

با ورود مغول، بسیاری از سنت‌های فرهنگی و هنری بوداییان و مسیحیان که سعی داشتند حاکمان مغول ایلخانی ایران را به سمت خود متمایل سازند وارد فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی شد.

در واقع حاکمان ایلخانی بدون توجه به احکام شرع اسلامی در مورد منع تصویرگری چهره، به ویژه تصاویر اولیای الهی، دستور به نگارش کتب مصور همچون جامع‌التواریخ وآثارالباقیه همراه با نگاره‌هایی با مضامین تاریخی دینی دادند. با توجه به رونق ادیان مسیحی و بودایی، در بدایت امر، این دسته از نگاره‌ها شدیداً تحت تأثیر سنت‌های رایج در نگارگری این دو تمدن بودند.

مقارن با آن، اروپا به دنبال برچیده شدن سلطه روم، در خمودگی و انحطاط قرونی که به "قرون وسطی" معروف است فرو رفت. هنر اروپا در سده‌های میانه همان هنر مسیحی بود که توسط اقوام مهاجر تداول یافته و به تدریج شکل‌های متنوعی به خود گرفته بود. این اقوام سنت‌های هنری خود را که غالباً جنبه تزیینی داشت، در خدمت اعتقادات دینی تعالی بخشیده و شاهکارهایی بی‌نظیر از هنر کتاب‌آرایی و نقاشی خلق کردند. مورد دیگر، آمیختگی این هنر با برخی ویژگی‌های هنر بیزانس است که خود محصول روابط مختلف بین امپراتوری روم شرقی و غربی بود. در سال‌های قرون وسطی، هنر مسیحی به دو شاخه تقسیم شده بود.

مصورسازی و آرایش کتب مذهبی در غرب اروپا تحت تاثیر مذهب کاتولیگ و در شرق اروپا متاثر از مذهب ارتدوکس بود. هنرمندان با استفاده از این کتب، شرح داستان

Archive of SID

www.SID.ir

حضرت مسیح و داستان‌های مربوط به عهد قدیم و عهد جدید را به تصویر می‌کشیدند.

این مقاله ابتدا به طور مختصر ویژگی‌ها و سبک‌های رایج نگارگری و نقاشی دوره ایلخانی در ایران و در اروپای قرون وسطی را بررسی می‌کند و سپس به لحاظ تکنیکی و محتوایی مقایسه‌ای از آثار این دو دوره به دست می‌دهد. در این نوشتار ۱۷ تصویر باموضوعاتی همچون: مژده بشارت تولد حضرت مسیح، غسل تعمید آن حضرت، تولد حضرت محمد و حضرت مسیح، معراج پیامبران، احترام و تکریم به ایشان، موضوع تعامل و تقابل میان مسلمانان و مسیحیان، و خیانت به پیامبران و کشته شدن حضرت مسیح بررسی شده است.

نگاره‌های اسلامی مورد بررسی از نسخه‌های مصور آثارالباقیه و جامع‌التواریخ و اکثر نگاره‌های مربوط به حضرت مسیح از انجیل و دیوارنگاره‌های کلیساهای کشورهای مختلف اقتباس شده است.

هنر نقاشی مغولان ایلخانی

دوران مغول را می‌توان از یک سو یکی از دوره‌های بارور تاریخ شعر ایران و از سوی دیگر، تکامل نگارگری ایران نامید. در این دوران، صورت‌گران ایرانی بی‌محابا به شبیه‌سازی افراد در نگاره‌های خود می‌پرداختند. از حاکمان مغول مسلمان شده، مغول برخی دوباره به دین سابق خود یعنی بودا برگشته و برخی نیز به مسیحیت گرایش یافته بودند. این فضای باز مذهبی به نگارگران جرأت خلق آثاری را می‌داد که تا آن روز به دلیل منع مذهبی از آن بی‌بهره بودند.

در این زمان، ایران بخشی از امپراتوری‌ای به شمار می‌آمد که کرانه‌های آن تا دورترین نقطه آسیا گسترش می‌یافت.[۱] نگارگران این دوره، فرصت‌های بسیاری می‌یافتند که با جهان‌گردان و نمایندگان مسیحی و چینی که از آن پس به تبریز رفت و آمد داشتند، تماس و آشنایی پیدا کنند.[۲]

تحت حمایت ایلخانان مغول کتاب‌نگاری در زمینه‌های علمی و تاریخی رونق گرفت و نقاشی ایرانی قرب و منزلتی ویژه‌ای یافت. یکی از کتاب‌های سترگ که امروزه از نسخه‌های متعدد آن فقط بخش‌های ناقصی در دست است نسخه جامع‌التواریخ است که در ربع رشیدی و با انگیزه تألیف کتابی مصور درباره سرگذشت ملل مختلف، از جمله مغولان و با نظارت مستقیم رشیدالدین[۳] شکل گرفت. مدارک تاریخی نشان می‌دهد که در آن زمان هنرمندان خارجی از جمله نقاشان چینی، در دربار تبریز فعالیت داشتند. در این میان نکته با اهمیت کوشش نقاشان ایرانی برای تلفیق عناصر غیر متجانس است. ویژگی‌های زیبایی‌شناختی نگاره‌های این کتاب، برگرفته از عناصر ایرانی، چینی و بیزانسی است، که در آن می‌توان به عناصری چون کادر افقی و طومارمانند نقاشی چینی، رنگ‌های محدود و ملایم، نوع خطوط در نقاشی بیزانس متأخر، توجه به پس‌زمینه، چهره‌هایی با استخوان‌بندی چهره نژاد زرد، استفاده و توجه به خط، خطوط نه چندان ظریف، ترکیب‌بندی‌های استوار، ایستا و بسیاری از عناصر دیگر اشاره کرد.[۴] با این همه، خصوصیات ایرانی را در بسیاری از نگاره‌ها می‌توان تشخیص داد. ترکیب‌بندی پیکره‌ها، حرکت و توازن صوری و صلابت عمل صحنه‌های رزمی از آن جمله‌اند.[۵]

۱. بازل، گری، نگاهی به نگارگری در ایران، عربعلی شروه، تهران، عصر جدید، ۱۳۶۹، ص۶۹.
۲. ا.م کورکیان، باغ‌های خیال، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۷۷، ص۲۰.
۳. در دوره ایلخانان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از وزیران با کفایت بود.بخشی از منابع و مأخذ این کتاب مربوط به اطلاعات و تجارب خود مؤلف و برخی مربوط به دانشمندان روزگار وی و قسمتی نیز ترجمه‌هایی است که دانشمندان به دستور او از کتاب‌های تاریخ ملل دیگر برگرفته‌اند. (محمدعلی رجبی، شاهکارهای نگارگری ایران، تهران، موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۳).
۴. شیلا کنبای، نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۹ ص ۳۲
۵. زهرا رهنورد، تاریخ هنر ایران، در دوره اسلامی، نگارگری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، صص ۲۴ – ۲۳

Archive of SID
www.SID.ir

از جمله نسخ دیگری که همراه با جامع‌التواریخ دارای مضمون مذهبی است و در زمان ایلخانیان به فرمان اولجایتو کتابت و مصور شده، کتاب آثارالباقیه است.[۶]

این کتاب در نسخه بیرونی هیچ نشانی از مکان تهیه و یا مالک اصلی آن به دست نمی‌دهد؛ اما باتوجه به سبک نقاشی‌ها می‌توان گفت که متعلق به پایتخت ایلخانی و اولین دهه از سدهٔ چهاردهم/ هشتم بوده است. اگرچه بیرونی در آثارالباقیه، بسیار مختصر و گاه در مقام شاهد و یا ارایه مدرکی برای اثبات ادعای خویش به پیامبر و حوادث زندگی وی اشاره کرده است، اما در نسخه مصور آن تصاویری از پیامبر مشاهده می‌شود. وجود تصاویر حضرت محمد در این کتاب باعث شده است که کل نگاره‌های کتاب در یک فضای اسلامی طراحی شوند. تصاویر حوادث زندگی پیامبر اسلام (ص) در این کتاب با دقت زیاد گزینش شده تا بیانگر داستان زندگی و تأکیدی بر مهم‌ترین وقایع زندگی آن حضرت باشد.[۷]

نقاشی قرون وسطی

حد فاصل تاریخی میان از هم پاشیدن امپراتوری روم غربی تا پیدا شدن عصر نوزایی را "قرون وسطی" یا سده‌های میانه نام می‌گذارند. در سراسر این سده‌ها دستگاه با اقتدار مذهبی بر همه شئون فرهنگی اروپا کاملا مسلط بود و کار هنرمندان را به خدمت خود گرفته بود. مصورسازی و آرایش کتب از جمله هنرهایی بود که مورد توجه مسیحیان قرار داشت. هنرمندان مسیحی بر عکس هنرمندان باستان با محدودیت‌های جدی در انتخاب موضوع روبه‌رو بودند. آن‌ها باید تمام هنر خود را برای شرح داستان زندگی حضرت مسیح به کار می‌گرفتند، آن چنان واضح و گویا که برای اقشار مختلف جامعه قابل درک باشد.[۸]

از نسخه‌های خطی آغاز مسیحیت اطلاع چندانی در دست نیست. بسیاری از کتب آغاز مسیحیت در دوران تحریم شمایل‌سازی (اواخر سده ششم تا اوایل سده هفتم میلادی) نابود شده است اما از همان آغاز، مصورسازی و آراستن کتب مذهبی برای مطالعه خصوصی و عمومی در کلیساها و دیرها رایج بوده است.[۹] از جمله نسخی که در این دوره یافت می‌شود و شمایل مسیح و قدیسان در آن موجود است، انجیل‌های لیندیس فارن را می‌توان نام برد. در آن زمان تصویر کردن وقایع مذهبی فی نفسه اهمیت داشت و حضور و یا عدم حضور چیره‌دستی یا توانایی هنری مهم نبود.

نگارگری مسیحی در چند مرحله پرورش یافت. این هنر از ابتدا بازتابنده باور مطلق به وجود برتر دیگری بود که هر فرد مومن هویتش را در آن می یافت. بنابراین نگارگری مسیحی در آغاز بیان ملموس دیانت انسان مسیحی بود.[۱۰] کوشش‌های آغازین برای شمایل‌سازی به قرن‌های سوم و چهارم برمی‌گردد. سبکی که در این دوره و سپس در قرون وسطی در نگارگری رایج بود، سبک بیزانس[۱۱] نامیده می‌شود. این سبک اگر چه به لحاظ تکنیکی دستخوش دگرگونی‌های فراوان گردید، اما به لحاظ مضمون و محتوا همواره، دینی باقی ماند.[۱۲]

چنانکه می‌دانیم آیین مسیحیت براساس تجسم خدا در مسیح استوار است و بر این اساس مسیح نمونه والا و پیشوایی است که مسیحیان از او پیروی می‌کنند. زندگی مسیح نشانه‌ای اخلاقی و مفادی روحی است و نمودار آن است که خداوند ذات خود را بر جهانیان آشکار

۶. از این کتاب چندین نسخه در کتابخانه‌های داخلی و خارجی وجود دارد ولیکن نسخه‌ای که در دوران ایلخانی کتابت شده ۷۰۷/۱۳۰۷ به خط کاتب شهیر ابن اکتبی است که اکنون در دانشگاه ادینبورو انگلستان نگهداری می‌شود. برای اطلاعات بیشتر ر ک به: (پرویز ذکایی، ربع رشیدی، برگرفته از نامه بهارستان، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹).

۷. گفته می‌شود تصاویر موجود در این نسخه دیرین‌ترین تصاویر شناخته شده از رسول خداست، اگرچه در برگ دوم از نسخه خطی الاغانی اثر ابوالفرج اصفهانی که برای اتابک بدرالدین لولو فرمانروای موصول تحریر شده است، تصویری از پیامبر اکرم(ص) وجود دارد که تاریخ تحریر این نسخه پیش از دو نسخه ذکر شده است. بر گرفته از: (ثروت عکاشه، نگارگری اسلامی، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران حوزه هنری، ۱۳۸۰، ص۱۱۲).

۸. سهیلا حاتمی، مروری بر تاریخچه هنر، انتشارات ترلان سحر، ۱۳۸۳، ص ۳۰۷.

۹. سهیلا حاتمی، مروری بر تاریخچه هنر، پیشین، ص۳۰۸.

۱۰. دنسیس اسپور، انگیزه آفرینندگی در سیر تاریخی هنرها، امیر جلال‌الدین اعلم، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۳، ص۱۹۱.

۱۱. تاریخ امپراتوری بیزانس (روم شرقی) از زمانی آغاز شد که کنستانتین شهر قسطنطنیه (مستعمره یونان) را به عنوان پایتخت جدید روم معین کرد. طی یازده قرن، قلمرو امپراتوری بیزانس تغییر بسیار کرد: زمانی شامل تقریبا تمامی حوضه مدیترانه بود، ولی از سده هفتم به بعد بخش‌هایی از آن به دست اعراب ترکان سلجوقی و ترکان عثمانی افتاد. با این حال، هنر بیزانس را نمی‌توان بر مبنای این تغییرات سیاسی و جغرافیایی توضیح داد. هنر بیزانس در اصل از تلفیق شیوه‌های یونانی وشرقی در ناحیه مدیترانه خاوری پدید شد، هنر بیزانسی از اول سده چهارم آغاز و تا سده شانزدهم در برخی نقاط پایدار ماند. هنر بیزانس به هنر پیشین، عصر طلایی، بیزانس متأخر تقسیم‌بندی می‌شود. (رویین پاکباز، دایره‌المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸، صص۷۸۶ - ۷۸۵).

۱۲. با فروپاشی امپراتوری روم و فرو رفتن غرب در آشوب و تشویش، نگارگری بیشتر ابزار عقل باوری گردید تا ابزار الهام هنرمندان. این بار مضامین عالمانه روی صفحات زیبای خطی کلیسا نقش بسته شد. در این عصر ترکیب‌بندی‌ها به صورت متراکم و تنگاتنگ خلق شده و پیکره‌ها در میان فضایی سرشار از انرژی پر تب و تابی که تصویرگر قرون وسطایی خلق کرده محصور شده است. اما سیر تکاملی نقاشی بیزانس با رواج یافتن نفاق شمایل‌شکنی که به دنبال فرمان امپراتوری در مورد تحریم تمثال‌های دینی درسال۱۳۲۵/ ۷۲۶ آغاز شده بود، دچار وقفه گشت و این وقفه به مدت صد سال ادامه یافت. با این که این فرمان تا حد زیادی از آفریده شدن شمایل‌های مذهبی جلوگیری کرد، اما نتوانست به طور کلی آن را نابود سازد. چنان که پس از پیروزی شمایل‌پرستان در سال۱۴۳۹/ ۸۴۳ دوباره بازار شمایل‌نگاری و شمایل‌سازی گرم شد و این بار سبکی به ظهور رسید که آمیزه ظریفی از سبک تصویری هلنی و سبک انتزاعی بیزانس بود. (امیر حسین ذکرگو، سیر هنر در تاریخ، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۱، ج دوم، ص۱۰۰).

www.SID.ir

گردانیده است. و به استناد همین بود که هواداران بیزانسی شمایل‌نگاری در سده هشتم/دوم از به کارگیری نقاشی در متون مربوط به اسرار مسیحیت دفاع می‌کردند.

آن‌ها نقاشی را مهم‌ترین ابزار برای رسانیدن پیام مسیحیت به بی سوادان و آشنا ساختن آن‌ها با مبانی آن دین می‌دانستند.

تصویر۱- بشارت تولد حضرت مسیح، جامع‌التواریخ، دانشگاه‌ادینبرو.

هدف مسیحیان با به تصویر کشیدن قدیسان و علمای دینی و شهیدان مسیحیت، تجلیل از اسوه‌های مسیحیت بوده و نه مقدس شمردن خود تصاویر[۱۳]

نمونه‌هایی از شمایل‌نگاری پیامبر اسلام و حضرت مسیح در این بخش نگاره‌های حضرت محمد و حضرت مسیح به ترتیب موضوعی از لحظه بشارت تولد حضرت مسیح و تولد حضرت محمد تا وفات حضرت مسیح و به معراج رفتن آن حضرت بررسی می‌شود.

اولین نگاره مورد بررسی مربوط به بشارت تولد حضرت مسیح از جامع‌التواریخ دانشگاه ادینبرو است. (تصویر۱)

یکی از داستان‌های مربوط به زندگی حضرت مسیح، دادن بشارت تولد ایشان توسط جبرئیل به حضرت مریم است.[۱۴] شمایل مربوط به نسخه جامع‌التواریخ لحظه بشارت حضرت را به زیبایی به تصویر کشیده است. شیوهٔ پردازش کوه‌ها و چین‌های مشخص و منظم لباس حضرت مریم (ع) و جبرئیل، نوع ترکیب‌بندی و صلابت پیکر، تماماً برگرفته از هنر بیزانس است. تنها عنصر ایرانی این نگاره، نزدیکی و چسبیدگی پیکره‌ها به کادر و نوع پردازش چهره‌ها و پیکره‌ها و ترکیب‌بندی به صورت قرینه است.

در تصویر فوق فضا به طور نامحسوس به سه قسمت تقسیم شده است. در یک سو حضرت مریم(ع) در حالی‌که کوزه‌ای را در دست دارد به نمایش درآمده و سر خود را به زیر افکنده است، در برابر او چشمه‌ای است که از دل کوهی بیرون می‌آید و در بخش سوم محل نزول جبرئیل در حالی‌که اشاره به حضرت مریم(ع) می‌کند به تصویر کشیده شده است.[۱۵]

نگارهٔ دیگر که بشارت تولد حضرت مسیح را به تصویر کشیده متعلق به نقاشی دورهٔ بیزانس می‌باشد.(تصویر۲)

۱۳. اما در اسلام، کار به گونه‌ای دیگر بود. قرآن کریم پیش از هر چیز، کتاب و شریعت بود و پیامبران جز انسان‌هایی که وحی الهی بر آن‌ها نازل می‌شد، نبودند و خود پیامبر اگرچه خاتم نبوت و آخرین انبیاء بود اما باز هم بشری بود که بار رسالت را بر دوش داشت. و مسلمانان نباید او را پرستش کنند یا خدا بشمارند. (ثروت عکاشه، پیشین، ص۱۰۸).

۱۴. واقعه تولد عیسی به این شرح است: مریم، مادر عیسی که در عقد یوسف بود، قبل از ازدواج با او به وسیله روح‌القدس آبستن شد. یوسف که سخت پای بند اصول اخلاقی بود، برآن شد که نامزدی خود را به هم بزند او در نظر داشت این کار را در خفا انجام دهد تا مبادا مریم بی آبرو شود. او غرق در اینگونه افکار بود که به خواب رفت. در خواب فرشته‌ای را دید که به او گفت: «یوسف از ازدواج با مریم نگران نباش. کودکی که او در رحم دارد، از روح القدس است او پسری خواهد زایید و تو نام او را عیسی (نجات دهنده) خواهی نهاد. (کتاب مقدس (شامل عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه تفسیری وییام گلن هنری مرتن، فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰، ص ۸۹۴-۸۹۳).

۱۵. فاطمه صداقت، زهرا خورشیدی، بررسی مضامین مذهبی در نسخ خطی جامع‌التواریخ، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، تابستان۱۳۸۸ ص ۹۱.

www.SID.ir

تصویر فوق متعلق به اواخر سده دوازدهم/ ششم و مربوط به کلیسای تاریخی کاترین در کوهپایه‌های کوه سینا در مصر و البته اندکی متاثر از بیزانس در دوره‌های پیشین است در عین حال شیوه نگارگری شمایل‌ها نوعی پویایی و احساسی شاعرانه را به بیننده القا می‌کند.[۱۶] کشیدن نوری از آسمان به سمت حضرت مریم، تجسم وحی الهی از طرف فرشته به حضرت مریم را زیباتر می‌نمایاند. نوع خطوط جامه‌ها و بال‌های فرشته و چهره‌پردازی معصومانه و نگران حضرت مریم همراه با قامت کشیده و نحوهٔ پردازش عمارت‌ها هنر بیزانس را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه برآن حضور جانوران در پایین تصویر به نحوی است که در نگاره‌های نقاشی بیزانس کمتر مشاهده می‌شود. در قرون وسطی و در نقاشی‌های بیزانسی آثار بسیاری را می‌توان یافت که تاثیر نقوش شرقی را به خوبی روی آثارشان باز می‌تاباند.[۱۷] به طور نمونه در همین تصویر، جانوران و نحوهٔ پردازش آن‌ها در پایین تصویر حاکی از این مطلب است.

تصویر۲- بشارت تولد حضرت مسیح، کلیسای کاترین در مصر، اواخر سده دوازدهم/ ششم.

16. Robin Cormark-*ByZantine Art*, Oxford university press. 2000. pp. 154-155.

۱۷. پریسا شادقزوینی، تاثیر شرق بر نقاشی اروپا(۱۹۱۴-۱۸۹۰)، انتشارات دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۴، صص ۱۸ -۱۷.

www.SID.ir

از دیگر نمونه‌های بسیار زیبای نگارگری اسلامی به تصویر کشیدن لحظه تولد حضرت محمد(ص) و حضرت مسیح علیه‌السلام می‌باشد. در این اثر که مربوط به نسخه جامع‌التواریخ دانشگاه ادینبرو است؛ لحظه تولد خاتم انبیا یعنی حضرت محمد علیه‌السلام تصویر شده است.(تصویر۳)

در سمت راست تصویر، حجره‌ای دیده می‌شود که پرده‌ای بر در آن آویخته شده و عبدالمطلب جد پیامبر رو به روی بنایی که می‌بایست کعبه باشد، چشم به راه ولادت پیامبر است. در صحنه میانی، تصویر بانو آمنه، مادر پیامبر (ص) دیده می‌شود که نوزادی به دنیا آورده و در کنار او زنانی که به نقل از آمنه، حوریه‌های بهشتی هستند که به کمک او آمده و به او شربتی می‌دهند، دیده می‌شوند.[۱۸] به همراه آن‌ها دو فرشته بالدار تصویر شده‌اند که یکی از آن‌ها نوزاد را روی دست نگه داشته و دیگری بر نوزاد دعا می‌خواند و بخوردانی به نشانه برکت و تعویز در دست دارد. در سمت چپ تصویر، پیرزنی به همراه سه زن دیگر دیده می شود که به نظر می‌رسد از بستگان خاندان پیامبرند و برای تهنیت آمده‌اند.

بیشتر نگاره‌های این دوره از نظر پیکر، بلندقامت و از جهت رفتار، اندیشمند، نمودار می‌شود. این موضوع می‌تواند به احساس نقاش نسبت به مسئولیت‌های وحی شده به پیامبر مربوط گردد. در این نگاره نوع پردازش چهره‌ها بر گرفته از هنر چینی است.

طرح این تابلو از تصاویر مربوط به میلاد مسیح تأثیر پذیرفته، زیرا همان گونه که در تصاویر میلاد مسیح آمده، فرشتگان بر بالای سر مادر نوزاد حضور دارند. عبدالمطلب نیز همان جایی قرار گرفته، که در هنر مسیحی به یوسف نجار، اختصاص داشته است.[۱۹]

در نگاره مربوط به تولد حضرت مسیح، یوسف نجار حضرت عیسی را در دست گرفته و در دور تا دور تخت حضرت مریم مردانی ایستاده‌اند که دست به دعا برداشته‌اند و چهره‌های نگران و مشوشی دارند. احتمال می‌رود که سه تن از آن‌ها، سه حکیم زرتشتی باشد.[۲۰](تصویر۴)

تصویر۳- تولد حضرت محمد(ص)، جامع‌التواریخ، دانشگاه ادینبرو.

تصویر٤- تولدحضرت مسیح(ع)، نقاشی دیواری، دیوار غربی کلیسای جامع سن پطرزبورگ، سده سیزدهم/هفتم.

۱۸. حسین عمادزاده، تاریخ انبیاء، از آدم تا خاتم و قصص قرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۹ ص ۷۸۶؛ همچنین ر.ک. به محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، قم، فقه، موسسه احیاءالکتب الاسلامیه، ج ۱۵، ۱۳۸۵، ص ۳۲۵.
۱۹. فاطمه صداقت، زهرا خورشیدی، پیشین، ص ۹۳.
۲۰. ثروت عکاشه، پیشین، ص ۱۱۶.

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر۵- غسل تعمید حضرت مسیح(ع)، آثارالباقیه.

تصویر۶- غسل تعمید حضرت مسیح(ع)، انجیل مارک.

تصویر فوق نقاشی دیواری در دیوار غربی کلیسای جامع ترینیتی سوپوکانی سن پطرزبورگ متعلق به سده سیزدهم/ هفتم چندین فرشته را که در استقبال از تولد حضرت مسیح بر زمین فرود آمده‌اند، نشان می‌دهد. این تصویر نیز همانند اغلب تصاویر چینی، طوماری و به حالت افقی کشیده شده است. همان طور که اشاره شد در این نگاره، رنگ‌ها بر خلاف تصاویر سده یازدهم/ پنجم، ملایم و آرام و نوع خطوط جامه‌ها نیز کمی ملایم‌تر کشیده شده است. در نمونه‌های بیزانس متأخر صورت حضرت مریم بسیار ظریف نقاشی شده است که نوعی «نقاشی زنده» را نشان می‌دهد. در این تصویر حضرت مریم و یوسف نجار همراه با ۲ تن از فرشتگان باهاله‌ای از نور در دور سرشان مشاهده می‌شود.

در نقاشی‌های بیزانس متأخر ترکیب‌بندی‌ها به صورت متراکم و تنگاتنگ، و پیکره‌ها در میان فضایی سرشار از انرژی پر تب و تابی که تصویرگر قرون وسطایی خلق کرده محصور شده است.

دراین دوره مینیاتوریست یا تذهیب‌کار دنبال عمق و شکوه رنگ بود، مینیاتوریست‌ها می‌خواستند نقاشی از لحاظ جزییات غنی و زنده باشد. اغلب موضوعاتی که مینیاتورساز می‌کشید مأخوذ از کتاب مقدس یا انجیل‌های آپوکریفال(جعلی)، مبتنی بر روایاتی درباره قدیسان بود؛ گاهی نیز تصویر گیاه یا حیوانی ضروری می‌نمود که در آن صورت هنرمند از ساختن صورت گیاهان و حیوانات واقعی یا فرضی لذت می‌برد.

در این دوره اندام‌ها و البسه شق و رق و رنگ‌های زننده سبز سده یازدهم به تدریج تحلیل رفت و اشکال با ملاحت و ظرافتی پر رنگ‌تر با زمینه‌هایی آبی یا طلایی جای آن‌ها را گرفت. مریم عذرا حتی در همان موقعی که بر کلیسا چیره می‌شد، عالم مینیاتور را نیز مسخر ساخت.[۲۱] این تصویر زمانی اجرا شد که استفاده از مضامین طبیعت‌گرایی در نقاشی‌های افراد و فضای اطراف باب شده بود و کم کم به نقاشی کلیسا هم راه پیدا کرد.

ترکیب‌بندی فرم اجزاء، طبیعی‌تر به نظر می‌رسد.[۲۲] به تقلید از نگاره‌های ایرانی متعلق به سده هفتم و هشتم این نقاشی نیز به سه صحنه تقسیم شده است؛ در سمت راست و چپ عمارتی آورده شده و در بخش میانی صحنه تولد حضرت مسیح کشیده شده است.

در نمونه‌های بعدی که مربوط به غسل تعمید حضرت مسیح به دست حضرت یحیی است. اولین تصویر از کتاب آثارالباقیه بیرونی موجود در کتابخانه دانشگاه ادینبرو گرفته شده است. (تصویر۵)

در نگاره مربوط به نسخه آثارالباقیه، حضرت عیسی(ع) در داخل رودخانه اردن توسط حضرت یحیی(ع) غسل تعمید می‌یابد. این پرده در شمایل‌های بیزانس نیز به تصویر در آمده است. در این نگاره چهره عیسی(ع) و یحیی(ع) به وضوح نمایان است وهاله‌ای از نور بر دور سر حضرت یحیی (ع) کشیده شده است. فرم پردازش آب، گل و بوته‌های اطراف رودخانه یادآور عناصر چینی است در تصویر چسبندگی پیکره‌ها به کادر، نوع پردازش چهره‌ها و کلاً فضای ترکیب‌بندی از نگارگری ایرانی منشاء گرفته است. نگاره دیگر با غسل تعمید مربوط به دوره بیزانس متعلق به نقاشی‌ای است که روی پارچه کشیده شده و اکنون در موزه برلین نگهداری می‌شود.[۲۳](تصویر۶)

در این نقاشی مسیح و یحیی را در کنار فرشته‌ها می‌بینیم. همه آن‌ها هاله دور سر دارند و یحیی با دست راستش مسیح را تطهیر می‌کند. مسیح نیز با چهره‌ای خندان در وسط ایستاده

۲۱. رفرنس: ویل دورانت، تاریخ تمدن، عصر ایمان، بخش دوم، ابوالقاسم طاهری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۴۹

22. Robin Gormack. Ibid P.203

23. www. smb. museum

www.SID.ir

و دست چپش را به نشانه سوگند بالا برده است. در سمت دیگر فرشتگان جامه پاکیزه به او تقدیم می‌کنند.

با دقت بر پردازش اندام نیمه‌عریان پیکره حضرت عیسی(ع) در هر دو تصویر که حتی دنده‌هایش نیز نمایان است چنین برمی‌آید که هر دو ملهم از سنت‌های هنر بیزانس است.

بر فراز سر مسیح چیزی شبیه تکه ابری که در عین حال به خورشید نیز شباهت دارد، قرار گرفته و از درون سر او توده سفیدرنگی به شکل بال‌های پرنده خارج شده است. این شکل عجیب و غریب می‌تواند دالی برای تطهیر و پاکی مسیح و پیوند با عالم بالا باشد.[۲۴]

در روند شمایل‌نگاری و طرح جایگاه معنوی مقدسین، با ملاحظات فقهی دوره زمانی، از ویژگی و عناصر نمادینی که قابلیت بیان این ابعاد وجودی را داشته، استفاده می‌شد؛ مانند ترسیم کامل چهره همراه باهاله نور، ترسیم چهره با پوشیه به همراه‌هاله نوری با شکل‌های متنوع و استفاده از ابعاد مختلف‌هاله نور؛ تصویرگران با اضافه نمودن عناصر بصری، سعی در متمایز کردن شخصیت اصلی موضوع نگاره، داشتند. از اولین عناصری که در نگارگری اسلامی به چشم می‌آید، هاله یا قرص نور است که در پشت سر مقدسین قرار می‌گرفت.[۲۵]

از جمله نگاره‌های جامع‌التواریخ با مضمون اسلامی، نگاره‌ای است که ملاقات پیامبر اکرم(ص) با بحیرای راهب را نشان می‌دهد.[۲۶] در این اثر، پیامبر اکرم (ص) به صورت نوجوانی که در میان هفت تن از قریشیان ایستاده، نشان داده شده است. همان گونه که در روایات اسلامی نقل شده، بر بالای سر حضرت، ابری جهت سایه‌افکنی، وجود دارد که از درون ابر، فرشته‌ای خارج شده؛ و در حال پاشیدن گلاب بر سر آن حضرت است. در کنار بحیرا دو تن از ملازمان وی ایستاده‌اند؛ و به نشان احترام، همگی در برابر آن حضرت سر خم کرده‌اند.[۲۷] (تصویر۷)

در این نگاره محمد (ص) در سمت چپ تصویر با حالتی از وقار و احترام در مقابل پیرمرد مسیحی ایستاده است که با موهای بلند ترسیم شده‌اند. «شاید مهم‌ترین ویژگی نگاره‌های جامع‌التواریخ که به داستان‌های اسلامی می‌پردازد؛ وضوح کامل در به نمایش گذاردن چهره پیامبر اکرم (ص) باشد؛ چیزی که قبل و بعد از آن به ندرت شاهدش بوده‌ایم».[۲۸] به نظر می‌رسد در این نگاره تنها نوع پردازش چهره‌ها و طوماری بودن تصویر از هنر چین برگرفته شده است.

نگارهٔ بعدی صحنه‌ای از عرض ادب و احترام یک مقام بلندپایه به نام تئودور[۲۹] را به مسیح(ع) به نمایش گذاشته است. این نقاشی دیواری که با تکنیک موزائیک کار شده متعلق به کلیسایی در مرکز ترکیه به نام کرا است.(تصویر۸)

تصویر۷- احترام گذاشتن بحیرای مسیحی به حضرت محمد(ص)، جامع‌التواریخ، دانشگاه ادینبرو.

۲۴. در آن زمان عیسی به سوی رود اردن رفت تا در آنجا از یحیی تعمید گیرد. پس از تعمید در همان لحظه که عیسی از آب بیرون می‌آمد، آسمان باز شد و یحیی روح خدا را دید که به شکل کبوتری پایین آمد و بر عیسی قرار گرفت آن‌گاه ندایی از آسمان رسید که «این فرزند عزیز من است که از او خشنودم» (کتاب مقدس، پیشین، ص ۸۹۵).

۲۵. مرتضی افشاری و دیگران، بررسی روند نماگرایی شمایل‌ها در نگارگری اسلامی از منظر نشانه‌شناسی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز- زمستان، ۱۳۸۹، ص ۴۲.

۲۶. این اثر اشاره به گوشه‌ای از زندگی پیامبر اکرم (ص) دارد، زمانی که آن حضرت برای نخستین بار به همراه عموی خود ابوطالب جهت تجارت راهی شام می‌شود، در میانه راه راهبی مسیحی به نام بحیرا او را می‌شناسد و در میابد که او همانا «احمد» پیامبری است که انجیل وعده حضور او را داده است. ثروت عکاشه، پیشین، ص ۱۱۶.

۲۷. مهناز شایسته‌فر، جایگاه و نمود مذهب در نگارگری ایرانی، (ایلخانی و تیموری)، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال سوم شماره پنجم، پاییز-زمستان ۱۳۸۵ ص ۱۰۳.

۲۸. مهناز شایسته‌فر، بررسی تأثیر سیر پیامبر اکرم (ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۲۵.

۲۹. به نظر می‌رسد تئودور بنیان‌گذار صومعه یا خانقاه راهبان به نام «کرا» است. (RobinCormack, Ibid, p206).

Archive of SID
www.SID.ir

تصویر ۸- احترام تئودور به حضرت مسیح، نقاشی دیواری با تکنیک موزائیک، کلیسای کرا، ترکیه.

در این صحنه محاسن حضرت همانند بیشتر تصاویر حضرت مسیح در دوران بیزانس با رنگ روشن نشان داده شده است. نوع نزدیکی چهره به صحنه، چهره‌پردازی نگارگری ایرانی را به یاد می‌آورد. ولیکن نوع پردازش و حالت چهره‌ها شباهتی به نگاره‌های دوران ایلخانی ایرانی ندارد. در این تصویرهاله‌ای از نور پشت سر حضرت مسیح کشیده شده در این‌هاله نیز شکل صلیب به تصویر در آمده است. نوع پردازش کلاه تئودور با شکل متفاوت و جالب در کمتر نگاره‌ای از این دوره قابل مشاهده است.

تصویر دیگری که مربوط به نگارگری اسلامی از نسخهٔ خطی آثارالباقیه است، پیامبر (ص) را در حال وعظ و سخنرانی بر منبر نشان می‌دهد. (تصویر۹)

در این تصویر پیامبر همراه با یارانش به تصویر کشیده شده‌اند. مضمون اصلی این تصویر بحث و مجادله‌ای است که دربارهٔ رؤیت هلال ماه نو رخ داده است.[۳۰] در تصویر، پیامبر بر بالای منبر نشسته و در پایین، جمعیتی از زن و مرد نشسته و چشم به دهان او دوخته‌اند، بر بالای سر جمعیت و مقابل چهره پیامبر (ص) قندیلی از سقف آویخته شده که می‌تواند نمادی از چراغ مصباح و بیانگر آن باشد که مسجد، محلی است که پیامبر(ص) مردم را به خیر و نیکی هدایت می‌کند. دیوارهای مسجد بسیار ساده و عاری از تزیین ترسیم شده

تصویر ۹- پیامبر همراه با یارانش، آثارالباقیه.

۳۰. برای اطلاع بیشتر ر ک به مهناز شایسته‌فر، معرفی نسخه خطی آثارالباقیه موجود در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال سوم؛ شماره ششم، بهار- تابستان ۱۳۸۶، ص ۳۶ صص ۴۲-۲۵.

Archive of SID

www.SID.ir

است. تنها قسمتی از منبر دارای تزیینات به سبک متداول این نسخه است. این تزیینات قبلاً در نگاره‌های دیگر این نسخه روی در و پنجره و دیوار به کار رفته است. فرم و حالات چهره‌ها در این نگاره متأثر از نقش‌های بیزانس است. اما فرم سربندها و البسه پیکره‌ها و قرینگی ترکیب‌بندی، از عناصر ایرانی- اسلامی است. تمامی پیکره‌ها، حلقه نورانی را دور سر خود دارند، بدون آن که هدف خاصی از این کار دنبال شود.[۳۱] گذاشتن‌هاله بر دور سر افراد در آن دوران نشان از تقدیس نبود، زیرا آن را گرداگرد سر دشمنان مسیحیت نیز نقش می‌کردند.[۳۲]

در تصویر دیگر با همین مضمون(پیامبر همراه با یارانش)، حضرت مسیح همراه با دو تن از حواریون[۳۳] بر تخت نشسته‌اند. (تصویر ۱۰)

تصویر فوق قسمتی از نگاره اصلی کاوالینی[۳۴] در کلیسایی در تراستورهٔ روم با نام داوری واپسین است. در بخش‌های مرکزی نگاره که زمانی ورودی و دیوارهای شبستان کلیسا را می‌پوشاند، تصویر مسیح بر تخت نشسته و حواریون، با همسازی‌های رنگ‌آمیزی پرمایه‌ای که نارنجی ملایم و سبز در آن به کار رفته، چیرگی و نمود بیشتری میابد.

در این نگاره حس حجم‌های واقعی به عوض حجم‌های طرح‌وار تازگی سطح‌ها و تار و پودهای نورانی مشاهده می‌شود. نور و روشنایی در آثار والینی هنوز از منشاء قابل تشخیص نمی‌تابد، اما بر جامه‌های حواریون نشسته، و بیش از همه در چهره‌ها، بارز است. با کارکرد نور شکل‌هایی در عمق، گردی کامل میابند. به عوض تقسیم‌بندی خطی گردن‌ها، گردی ستون‌داری پدیدار می‌شود. به سبب این گردی، ساختار کالبدشناسانه گردن به شکلی که از روزگار باستان به بعد در هنر شاهد آن نبوده‌ایم جلوه می‌کند. ریش و سبیل‌ها از نظر بافت، طبیعی به نظر می‌رسد و رداها از درخشش نرم و ابریشمی برخوردارند.[۳۵]

و اما نگارهٔ دیگری که مربوط به برگی دیگر از نسخهٔ آثارالباقیه است، نگاره‌ای منحصر به فرد در تاریخ نگارگری ایرانی – اسلامی است. در این نگاره نمایندگان مسیحی نجران (در سمت چپ) به ملاقات پیامبر اکرم (ص) آمده‌اند.[۳۶] (تصویر ۱۱)

تصویر ۱۰- حضرت مسیح همراه با دو تن از حواریون، کلیسایی در تراستورهٔ روم.

۳۱. مهناز شایسته‌فر، پیشین ص ۳۷-۳۶.
۳۲. ثروت عکاشه، نگارگری اسلامی، پیشین، ص ۱۱۵.
۳۳. عیسی از میان چندین نفر که مد نظر داشت دوازده نفر را به نام‌های شمعون(معروف به پطرس)، یعقوب، یوحنا، اندریاس، فیلیپ، برتولما، متی، تدی، شمعون، ویهودا را برگزید تا شاگردان همیشگی او باشند. ایشان را به ماموریت فرستاد تا پیام خدا را به گوش مردم برسانند، بیماران را شفا دهند و ارواح پلید را بیرون کنند. (مقدس، پیشین، صص ۹۰۴-۹۰۳).
۳۴. کاوالینی با استفاده از کشف تازه معنا و کارکرد نور آثاری آفرید که هنر دیوارنگاری رومی را زیر و رو کرد. تاریخ تولد وی میان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ سدهٔ سیزدهم/ هفتم، قرار می‌گیرد و تا حدود ۱۳۳۰/ ۷۳۱ دورهٔ فعالیتش ادامه دارد.
۳۵. فردریک هارت، تاریخ هنر رنسانس در ایتالیا نقاشی، مجسمه سازی، معماری، ترجمهٔ هرمز ریاحی و دیگران، تهران: کتابسرای تندیس، ۱۳۸۵، صص ۵۶ – ۵۵.
۳۶. مهناز شایسته‌فر، معرفی نسخه خطی آثار الباقیه، پیشین، ص۳۴.

Archive of SID
www.SID.ir

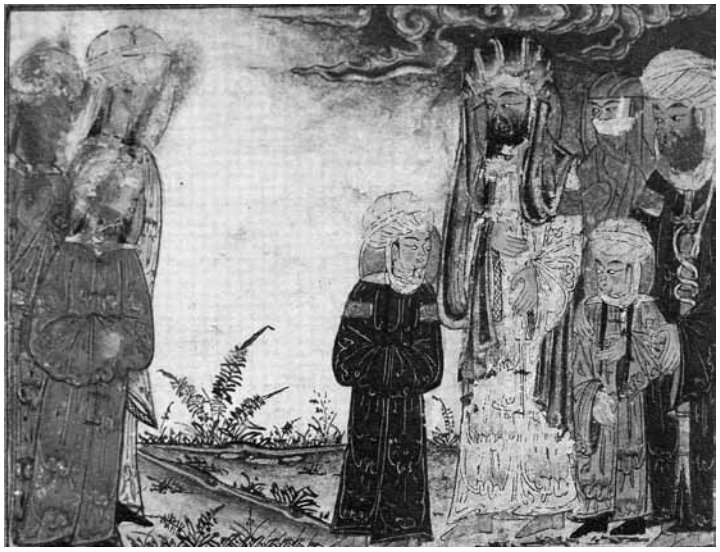

تصویر ۱۱- ملاقات پیامبر اکرم با نمایندگان مسیحی نجران، آثارالباقیه.

در سمت راست نگاره پیامبر اکرم با هاله‌ای به دور سرشان که همچنان شعله‌های آتش درخشان است در جلو قرار دارند در حالی که حسنین در دو سوی او قرار گرفته‌اند. چهرهٔ پیامبر اکرم (ص) و حسنین به وضوح نمایان است. در نگارگری اسلامی، چهره‌پردازی مقدسین و اولیاء به دو روش چهره نمایانه و چهره پوشانه است در این نگاره نیز در پشت سر حضرت محمد(ص)، حضرت فاطمه (ع) با روبندی بر چهره حضور دارند و تنها چشمان ایشان هویدا است، در پشت سر وی حضرت علی (ع) در منتهی‌الیه سمت راست تصویر قرار دارند چهره ایشان نیز به وضوح نمایان است.

تنها عنصر بر گرفته از هنر بیزانس در این نگاره همانا توجه به خطوط جامه پیکره‌ها و نمایش حالات چهره‌ها است. نوع پردازش ابر بالای سر اهل بیت و نیز پردازش گل‌ها و بته‌ها در این نگاره برگرفته از نقاشی چینی است. از سوی دیگر در این نگاره تا حدودی به فضای خالی - از ویژگی‌های نقاشی چینی- توجه شده و ترکیب‌بندی، چسبیدگی پیکره‌ها به کادر، توجه به تقارن و فضای کلی اثر، بیانگر خصوصیات ایرانی نگاره است.

از آن‌جا که هنر قرون وسطی مستقیماً متأثر از مسیحیت رومی و بر اساس آن پایه‌گذاری شده بود، نقوش و تصاویر و موضوعات شرقی که مورد استفاده قرار می‌گرفت می‌بایست با علایق مذهبی آن در ارتباط می‌بوده و در همان جهت انتخاب می‌شد. نمونه‌ای دیگر از نگاره‌های بیزانسی مربوط به تصویری است که پیامبر اولوالعزم یعنی ابراهیم را چون انسان خدایی در میان انبوه متراکمی از تزیینات و آرایه‌های گیاهی و جانوری که خاص کتاب‌آرایی مذهبی این دوره است، نشان می‌دهد. نوع تزیینات به کار رفته در تصویر با ویژگی تزیینی کتاب‌آرایی اسلامی متفاوت است. (تصویر۱۲)

حضرت ابراهیم پیکری تنومند و چشمانی گشاده دارد، بر تختی نشسته و مسلمانان و مسیحیان بر زانوی او قرار گرفته‌اند. در این تصویر که احتمالاً مربوط به یکی از داستان‌های عهد عتیق است، مسلمانان و مسیحیان به وسیلهٔ لباس‌های متفاوتشان از یکدیگر تفکیک شده‌اند. این تفاوت در نوع لباس در تصویر ۱۱ مشاهده نمی‌شود. نوع نزدیکی پیکره به تصویر یادآور نگارگری اسلامی در دورهٔ ایلخانی است. در این نمونه مسیحیان در جلوی تصویر نقاشی شده‌اند و در دست یکی از آن‌ها کتابی است که احتمالاً مراد نقاش از آن کتاب مقدس مسیحیان بوده است. این مینیاتور متعلق به انجیلی

Archive of SID

www.SID.ir

است که در پاریس مصور شده است. در بسیاری از نگارگری‌های بیزانس، انجیل (کتاب مقدس مسیحیان) در دست مسیح و یا پیروانش قرار گرفته ولیکن در تصاویر جامع‌التواریخ و یا آثارالباقیه کتاب مقدس مسلمانان در دست پیامبر و یا پیروانش مشاهده نمی‌شود.

نگارهٔ دیگری که از نسخه آثارالباقیه گرفته شده حضرت محمد (ص) و حضرت عیسی(ع) را با همدیگر نشان می‌دهد. (تصویر۱۳)

در این تصویر حضرت رسول بازوبندی با جمله «لااله الاالله» به عنوان نوعی نشانه از جایگاه دینی بر تن دارند[۳۷] که این نشانه‌سازی برگرفته از ذهن نگارگر بوده است. در این نگاره حضرت محمد سوار بر شتر و حضرت مسیح سوار بر اسب هستند. به کارگیری ابر بالای سر پیامبر عنصر بصری‌ای است برای طرح تقدسی ویژه، که جایگاه نمادین پیدا کرده است.[۳۸] وجودهالهٔ دور سر نیز به عنوان یک عنصر بصری نمادین و تزیین وارد نگارگری شد و تا امروز ارزش خود را حفظ کرده است.

نگاره دیگری از جامع‌التواریخ مربوط به توطئه سران قبایل در برابر پیامبر و اصحابشان است. توسعه و گسترش اسلام موجب عکس العمل‌های شدید سران قریش در برابر مسلمانان می‌شد به طوری که دست به اعمال خشونت از قبیل شکنجه و تحریم زدند ولیکن این اعمال نتوانست جلوی گسترش اسلام را بگیرد. در چنین شرایطی سران قبایل هر چند روز دور هم جمع شده توطئه تازه می‌چیدند که محمد(ص) را از بین برند و ریشه مسلمانان را بکنند.[۳۹] (تصویر۱۴)

این تصویر سران قبایل را در حال توطئه نشان می‌دهد. طوماری بودن تصویر و نوع پردازش چهره‌ها متأثر از هنر چین و چین و چروک جامه‌ها برگرفته از بیزانس است. در این نگاره تقسیم‌بندی فضا و کادربندی، نگارگری ایرانی را به رخ می‌کشد.

در نگاره دیگر با موضوع توطئه و خیانت، به یکی دیگر از حکایت‌های مصائب مسیح است. این نگاره خیانت یهودا[۴۰] یکی از حواریون حضرت مسیح را تصویر کرده است. (تصویر۱۵)

دیوارنگارهٔ فوق مربوط به نمازخانه آرنا، پادوا، در ایتالیا[۴۱] است که توسط جوتو[۴۲] نقاش معروف فلورانسی کشیده شده است. هستهٔ مرکزی حادثه ی جانسوز و غمبار گروه مسیح و یهود است. هر چند اندام مسیح در پیچش ردای یهودا ناپدید می‌شود، ولیکن چهره حضرت محکم و استوار و بدون تردید ترسیم شده است. جوتو از تضاد میان نیم‌رخ متقارن مسیح و چهرهٔ حیوانی یهودا که لب‌هایش برای بوسهٔ خیانتکارانه غنچه شده بهره‌برداری کرده و دو چهره را همچون تعارض نیک و بد نشان داده است. برای تأثیرگذاری بیشتر این حادثه جوتو چهره دو سرباز رومی را میان یهودا و مسیح که در مقابل هم قرار گرفته‌اند وارد کرده است.

تصویر ۱۲- مسیحیان و مسلمانان در آغوش حضرت ابراهیم، انجیل.

تصویر۱۳- حضرت محمد همراه حضرت مسیح، آثارالباقیه.

Archive of SID

۳۷. مرتضی افشاری و دیگران، بررسی روند نمادگرایی شمایل‌ها در نگارگری اسلامی از منظر نشانه شناسی، دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال هفتم، شماره سیزدهم، پاییز- زمستان۱۳۸۶، ص۴۳

۳۸. مهناز شایسته فر، جایگاه و نمود مذهب در نگارگری ایران (دوره ایلخانی و تیموری)، پیشین، ص۱۰۶.

۳۹. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: خسین عمادزاده، تاریخ انبیاء، قصص الانبیاء، از آدم تا خاتم، تهران، اسلام، ۱۳۷۹، ص ۸۱۳.

۴۰. حضرت عیسی بعد از شام آخر با یارانش به بیرون رفته و پس از رسیدن به باغ زیتون یهودا از راه رمی‌سد، عده‌ای با شمشیر، چوب و چماق او را همراهی می کردند.آنان از طرف کاهنان اعظم سران قوم یهود آمده بودند. یهودا به ایشان گفته بود: « هر که را بوسیدم بدانید که او همان است او را دستگیر کنید.» (کتاب مقدس، پیشین، ص۹۲۹).

۴۱. سده سیزدهم/ هفتم به عنوان دوره رکود و تحت تأثیر هنر بیزانس، شناخته می‌شود هنر نقاشی مختص امپراتوری شرقی یا یونانی (بیزانس) حتی در فلورانس تأثیرگذاری بیزانسی در اروپای سدهٔ ۱۳ و غارت قسطنطنیه در ۱۲۰۴/ ۶۰۱ به دست میلیبو که کلیساها و کاخ بزرگ را ویران کردند، توجیه می کند. غنایم هنری-شمایل‌ها و هنرهای دیگر که به دست میلیبون می‌افتادند، در سراسر اروپا پخش و پلا شدند، و هنوز نیز می‌توان به اشیایی از آن غارت، درایتالیای امروزین برخورد. تفکرات هنری بیزانسی باپرمایگی سبک و مواد بیزانسی بر تصورات اروپایی حاکم شده‌اند. نقاشان یونانی که در قسطنطنیه ویران شده امکانات چندانی نداشتند، روانه صربستان می‌شدند تا برای پادشاهان آن سرزمین کار کنند، و چه بسا ثروت و وفور در شهرهای ونیز و توسکانا نیز عامل جذب کننده‌ای بود. (فردریک‌هارت، پیشین، ص ۴۳).

۴۲.جوتو در اوایل ترچنتو، در نقاشی سبک تازه‌ای پدیدار شد که در هنر فلورانس، توسکانا و سراسر ایتالیا و سرانجام هنر جهان غرب، بذر انقلاب پاشید. بنیان‌گذار این سبک جدید، نخستین نقاشی بود که از میان هنرمندان ایتالیایی به مقام و منزلتی جهانی دست یافت. جوتو (۱۳۳۷-۱۲۷۷/۷۳۸-۶۷۶) هنر نقاشی را به جانب روشنایی گرداند. (فردریک هارت، تاریخ هنر رنسانس در ایتالیا، پیشین، صفحهٔ ۷۶).

www.SID.ir

تصویر۱۴-سران قریش در حال توطئه علیه حضرت محمد و یارانش، جامع‌التواریخ.

از دو جانب گروه اصلی، دو طرح فرعیِ به شدت متفاوت، دیده می‌شوند. سنت شمایل‌سازی هنرمند را ملزم کرده که رخداد بریدن گوش خادم کشیش اعظم را به دست پطرس نقاشی کند، و جوتو این صحنه را پشت مأمور باشلق‌دار سمت چپ که سعی دارد راه را بر یکی از حواریان وحشت‌زده گریزان ببندد پنهان کرده است. کندوکاوی که جوتو در مورد شخصیت و احساسات کیشش اعظم در سمت راست انجام می‌دهد و دنیای درونش را یکسره با حالت اندامش بیان می‌کند به وضوح گویاست. او به آغوش خیانتکارانه در مرکز اشاره می‌کند. گویی، در ضمن این حرکت دو دل است، به طوری که توانش نیست که رذالت در خیانت یهودا را تمام و کمال بر ملا کند.

انگشتش کج، و آغاز به منقبض شدن می‌کند، و حجم‌های جامه‌اش که در چین و چروک‌های ریز به لرزه خفیف افتاده موج‌های کوچکی را نشان می‌دهد که با یورش ناگهانی ردای یهودا به جلو در تضادند. پیداست که‌هاله مسیح از اندوه شکل گرفته و در ژرف نمایی نشان داده شده است.[۴۳]

تصویر۱۵- خیانت یهودا به حضرت مسیح، دیوارنگاره، نمازخانه آرنا، پادوا، ایتالیا.

معراج پیامبر (ص) یکی از مضامینی است که در هنر نگارگری اسلامی بسیار به آن پرداخته شده است. در هر دوره هنری نقاشان و حامیان آن سعی در به تصویر کشیدن این واقعه بزرگ داشته‌اند. معراج، موضوعی مذهبی است که در تمامی دوره‌ها و عرصه‌های هنری مصور گشته و اصولاً اصطلاح معراج‌نگاری با توجه به شمارش قابل توجه تصاویر عروج پیامبر به آسمان‌ها اصطلاحی دور از ذهن نیست.

این واقعه عظیم در جامع‌التواریخ نیز به تصویر کشیده شده است. این دسته از نگاره‌ها در توصیف بینش‌های شگفت‌انگیز و الهام‌گونه‌ای است که مراحل عروج معجزه‌آسای بنیان‌گذار اسلام را در شبی که به بارگاه الهی راه می‌یابد، نشان می‌دهد.

محمد(ص) به عنوان پیامبر بزرگ دارای شریعت، مأموریت یافت، در شب شگفت معراج و در مرحله‌ای که به طور اعجاب‌انگیزی به بارگاه الهی انتقال یافت رسالت تثبیت شده‌اش را مشاهده کند.[۴۴]

۴۳. اوایل ترچنتو، در نقاشی سبک تازه‌ای پدیدار شد که در هنر فلورانس، توسکانا و سراسر ایتالیا و سرانجام هنر جهان غرب، بذر انقلاب پاشید. بنیانگذار این سبک جدید، نخستین نقاشی بود که از میان هنرمندان ایتالیایی به مقام و منزلتی جهانی دست یافت و به یکی از تاثیرگذارترین هنرمندان در کل تاریخ هنر بدل شد. (فردریک هارت، پیشین، ص۷۶).

۴۴. ماری رزسگاری، معراج‌نامه، سفر معجزه آسای پیامبر(ص)، ترجمه مهناز شایسته‌فر، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵، ص۸

www.SID.ir

در این نگاره پیامبر اکرم (ص) سوار بر براق، موجودی با بدنی همچون اسب و سری انسانی، ترسیم شده است. در دستان این موجود خارق‌العاده، نسخه کتابی است که می‌بایست قرآن کریم، معجزه بزرگ پیامبر (ص) باشد. در مقابل او جبرئیل دیده می‌شود که جامی زرین در دست دارد. هر چند ابعاد نگاره، عریض و به شکل طومار چینی است، ولیکن تأثیر عناصر چینی در این نگاره کمتر مشاهده می‌شود. (تصویر۱۶)

تصویر۱۶-معراج پیامبر، جامع‌التواریخ، دانشگاه ادینبرو.

نقاشی‌های نسخهٔ جامع‌التواریخ عموماً با پرداخت طبیعت‌گرایانه، پیکره‌های بلندقامت با لباس‌های چین خورده و حرکات و رفتار واقع‌نمای آدم‌ها و اسب‌ها و همچنین با به کار گرفتن رنگ‌های تیره و روشن و حالتی از حجم نمایی و نیز با استفاده از خطوطی قوی، نقاشی‌ای متأثر از تسلط مغولان و نقاشی شرق دور به نمایش می گذارد.

در عصر بیزانس هنر تصویری به چهار شکل عمده تجلی پیدا کرد: هنر موزائیک، مینیاتور، نقوش دیواری، و شیشه‌های رنگی. هنر موزائیک در این تاریخ هنر سالخورده‌ای بود، که در انباشت تجربه‌ها، ریزه‌کاری‌ها و تکنیک‌های بسیاری فرا گرفته بود. احتمالاً، هنرمندان بیزانسی در سده یازدهم محراب شرقی و دیوار غربی کلیسای جامعی در تور چلو(جزیره‌ای درنزدیکی ونیز)را با مجلل ترین موزائیک‌های تاریخ قرون وسطی پوشاندند.[۴۵]

هنر موزائیک در سال ۱۱۵۳/ ۵۴۸ هنوز تحت نظارت بیزانس قرار داشت و از تاریخ ۱۴۵۰/ ۸۵۴ به بعد بود که هنرمندان ایتالیایی در تزیین موزائیک‌های کلیسای سارمارکو تفوق پیدا کردند. تذهیب نسخه‌های خطی با تصاویر مینیاتور و تزیین با آب طلا و نقره و جوهرهای رنگی همچنان هنری مطلوب بود که چون با پرهیزکاری و آرامش زندگی مردمان دیرنشین سازگار بود، رهبانان، آن را با آموزش باز می‌پذیرفتند.

مینیاتورسازی نیز مانند بسیاری از هنرها و فعالیت‌های قرون وسطایی مغرب اروپا در سده سیزدهم/هفتم، به اوج خود رسید چنانکه از آن تاریخ به بعد دیگر هرگز چیزی ساخته نشد که در ظرافت و ابتکار، یا از لحاظ فراوانی، به پای مینیاتور برسد.

دشوار می‌توان گفت که تا چه اندازه مینیاتورها از لحاظ موضوع و طرح در نقوش دیواری، تصاویر بسیار بلند، تمثال‌ها و این‌ها همه به نوبه خود در هنر تذهیب اثرگذار بودند. از نظر موضوع و اسلوب، میان این هنرها نوعی بده بستان آزاد وجود داشت. به این معنی که دائماً هر یک در سایر انواع مؤثر می‌افتاد و بین آن‌ها تأثیر متقابلی پدید می‌آمد. برای تهیهٔ نقوش دیواری، هنرمندان این عهد همان روش‌های باستانی را به کار می‌بستند.

۴۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، عصر ایمان، بخش دوم، صص۱۱۴۸-۱۱۴۷.

Archive of SID
www.SID.ir

به این معنی که یا روی دیوارهای تازه گچ گرفته شده، نقاشی می کردند و یا با رنگ‌هایی که با مواد چسبنده‌ای خاصیت چسبندگی پیدا کرده بودند روی دیوارهای خشک نقاشی می‌کردند. غرض از هر دو شیوه، دوام و ثبات رنگ روی گچ بوده است با این تفاوت که در یکی، از راه نفوذ و در دیگری از راه پیوستگی. با این همه رنگ‌ها به مرور زمان طبله می‌کردند و می‌ریختند. چنانکه امروزه تقریباً هیچ چیز از نقاشی‌های پیش از سده چهاردهم/ هشتم به جا نمانده است.[۴۶]

ترکیب‌بندی ایستا و استوار فضا، نزدیکی اجزاء و نگاره به کادر و چهره‌های شرقی، بیش از پیش نگاره را به تصویر ایرانی – اسلامی نزدیک می کند. در مجموع نوع خطوط، چین لباس‌ها و حالت چهره‌های افراد و پیکره‌های بلند قامت، متأثر از عناصر بیزانسی است.

در تصویر وفات حضرت مسیح که متأثر از هنر بیزانسی و متعلق به دیوارنگاره‌ای در شمال دیوار کلیسای مقدس کاتالویک شهر اسکوبچه در یوگسلاوی سابق است،[۴۷] بخش‌هایی از دیوارنگاره از بین رفته است.(تصویر۱۷)

نگاره فوق صحنه قرار دادن جسد حضرت مسیح در درون غار را نشان می‌دهد. حضرت مریم و «جان» یکی از پیشوایان در حال گریه و عزاداری هستند. به نظر می‌رسد اشک‌های آن‌ها به صورت فرشته‌هایی انعکاس یافته است. این سبک از نقاشی در دوران بیزانس، در نیمه دوم سده دوازدهم تشدید پیدا کرد و شکلی اغراق‌آمیز یافت. در این تصاویر هاله‌هایی به دور سر فرشتگان و حضرت مسیح و همراهان وی کشیده شده است.هاله‌های پشت سر حضرت همراه با صلیب آمده است. فرشتگان بالای سر حضرت دارای بال‌هایی هستند. نوع کشیدن این بال‌ها با تصویر سفر معجزه آسای پیامبر تفاوت‌هایی دارد چرا که در تصویر معراج پیامبر بال‌ها بر بازوان فرشته‌ها چسبیده است. این نوع از نگاره‌ها در بسیاری از نقاشی‌های دوره ایلخانان مشاهده می‌شود. ولیکن در نقاشی بیزانسی شکل متفاوتی را مشاهده می کنیم.

در تصویر فوق حضرت مسیح به صورت عریان به تصویر کشیده شده به طوری که نوع خطوط دنده‌های حضرت نشان‌دهنده هنر آن زمان می‌باشد. در اغلب تصاویر دوره بیزانس حضرت مریم با حالتی اندوهگین کشیده شده که معصومیت وی را نشان می‌دهد. در این نگاره بر خلاف نگاره‌های شمایل‌های مسیح که اغلب از رنگ‌های تند استفاده شده است، رنگ‌هایی ملایم به کار رفته است. می‌توان احتمال داد که کشیدن رنگ آبی در هر دو تصویر عروج به عرش را تجسم می‌سازد.

چرا که پیامبر برای سفر خود از آسمان گذر می کند و مسیح نیز برای رسیدن به لقاء الهی این مرحله را طی می کند. به اعتقاد مسلمانان، شخص دیگری به جای مسیح به صلیب کشیده شده و مسیح به عرش رفته و همراه با امام زمان ظهور خواهد کرد.[۴۸]

تصویر۱۷- جسد حضرت مسیح، دیوارنگاره، دیوار شمالی کلیسای مقدس کاتالویک شهر اسکوبچه در یوگسلاوی سابق، نیمه دوم سده دوازدهم/ ششم.

۴۶. ویل دورانت، تاریخ تمدن، عصر ایمان، بخش دوم، پیشین، صص ۱۱۵۱-۱۱۵۰.

47. Robin Cormack, *Byzantine Art, Ibid,* p. 176.

۴۸. مفسر بزرگ قرآن حضرت آیت‌الله جوادی درباره تفسیر آیهٔ ۱۵۸و۱۵۷ سوره النساء" وَ قَولِهِم اِنّا قَتَلنَا المَسیحَ عیسَی ابنَ مَریَمَ رَسُولَ اللهِ وَ ما قَتَلُوهُ وَ ما صَلَبُوهُ وَلکن شُبِّهَ لَهُم وَ اِنَّ الَّذینَ اختَلَفُوا فیهِ لَفی شَکٍّ منهُ ما لَهُم بِه مِن عِلمٍ اِلّا اتِّباعَ الظَّنِّ وَ ما قَتَلُوهُ یَقینًا(۱۵۷) بَل رَّفَعَهُ اللهُ اِلَیهِ وَ کانَ اللهُ عزیزًا حکیما(۱۵۸)" و هم از این رو که به دروغ گفتند ما به مسیح بن مریم، عیسی رسول خدا را کشتیم در صورتیکه نه او را کشتند و نه به دار کشیدند لکن امر بر آن‌ها مشبه شد و همانا آنانکه دربارهٔ او عقاید مختلف اظهار داشتند و از روی شک و تردید سخنی گفتند و عالم به آن نبودند. جز آنکه از پی گمان خود می‌رفتند و به طور یقین"شما مومنان بدانیدکه" مسیح را نکشته اند بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و پیوسته خدا بر همه ملک وجود مقتدر و کارش همه از روی حکمت است" دربارهٔ سرنوشت حضرت مسیح از منظر اناجیل می‌گوید: " در اناجیل چهارگانه (متن، مرقس، لوقا و یوحنا) آمده است که حضرت عیسی علیه اسلام کشته یا به دار آویخته شده است و این صحیح نیست زیرا این اناجیل چهارگانه آن انجیل واقعی نیست که خداوند به حضرت مسیح علیه اسلام عطا کرده است، بلکه اینها تفریرات درس آن حضرت بود که شاگردان وی پس از او نوشته و تدوین کردند، از این رو این اناجیل به خدا یا معصوم اسناد ندارند" اما در انجیل پنجم یعنی انجیل برنا با مسئله قتل و صلب (به دار آویختن) نفی و تکذیب شده است. (آیت الله جوادی آملی، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، جلد بیت و یک، مرکز نشر اسراء ۱۳۸۹ تفسیر آیهٔ ۱۵۷.)
www.jomhourieslami.com

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه‌گیری

سنت اسلامی اگر چه همانند سنت مسیحی مبتنی بر تصویری مافوق بشری و حامل وحی است اما بسیار دیرتر از سنت مسیحی در هنر و به ویژه در شمایل‌سازی و شمایل‌نگاری منعکس می‌شود. هنر اسلامی به طور عام و نگارگری اسلامی به طور خاص در ارتباط با فرهنگ و آثار مسیحی در دورهٔ ایلخانی و در فضای دینی متکثر آن دوره به سرعت تحت تاثیر نقاشی مسیحیت قرار گرفت.

این تاثیرپذیری در آغاز بسیار شدید و بارز بود به گونه‌ای که استقبال از تصویر نگاره‌های مذهبی، یعنی عنصری که پیش از این در هنر نگارگری اسلامی- ایرانی جایگاهی نداشت در دورهٔ ایلخانی علاوه بر به مصورسازی کتب تاریخی- مذهبی، باورهای مذهبی مسیحیت از جمله وقایعی چون بشارت تولد مسیح به مریم و یا غسل تعمید مسیح که در متن نیز مفصلاً مورد بررسی قرار گرفت را هم در برمی‌گیرد. از همین‌رو برخی عناصر و سنت‌های شمایل‌نگاری مسیحی چون نحوه کادربندی، ترکیب‌بندی، رنگ‌ها، نوع پردازش جامه و مناظر طبیعت و.... به خدمت نگارگران ایرانی مسلمان آمد و آن‌ها توانستند با نبوغ خود و تلفیق آن با بن‌مایه کاملاً ایرانی - اسلامی به آفرینش آثاری پرمایه و سترگ دست یازند.

در واقع خطوط خشک، منظم و تقریباً هندسی البسه، سربندها و مناظر و پیکره‌ها و نیز پیدایش چهره‌های گوناگون و خاص با تجسم حالات عاطفی در آن‌ها به ویژه در اواخر این دوره حاصل نفوذ عناصر نقاشی بیزانس است. علاوه بر آن هرچه به اواخر این دوره می‌رسیم رنگ‌ها ملایم‌تر و تصاویر نوعی پویایی و زنده بودن را نشان می‌دهند.

از عناصر جزئی‌تر نقاشی بیزانس و تاثیر آن بر نگاره‌های ایلخانی می‌توان از پیکره‌های بلند قامت برخی نگاره‌ها، نمایش حالات عاطفی انسانی و تجسم حجم و عمق و نیز کاربرد فراوان رنگ نقره‌ای را نام برد.

اما با وجود همهٔ این تشابهات، روح و فضای کلی و احساس زیبایی شناختی نهفته در آثار اسلامی و در یک کلام حرکت و فرم مدور و بی آغاز و پایان نگارگری ایرانی - اسلامی در این دوره و دوره‌های بعد از آن که هنر نگارگری رو به شکوفایی می‌رود بسیار متفاوت از قداست و روحانیتی است که در شمایل‌نگاری بیزانس حاصل سکون ایستایی ازلی و ابدی است. در این دسته از آثار، حرکت دیگر صرفاً حرکتی بصری و فیزیکی نیست بلکه دوران به حول محوری خاص و مرکزی کیهانی است. در واقع، نگاره‌های اسلامی - ایرانی در تضاد با سکون و ایستایی است و از این منظر تفاوتی بنیادی میان جهان‌بینی نگارگری ایرانی - اسلامی با شمایل‌نگاری بیزانسی وجود دارد. نمونه‌های به دست آمده نشان از تأثیر فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی بر اروپای قرون وسطی دارد که با به کارگیری نقوش حیوانات، درخت، خط کوفی و ترکیب‌بندی تزیینات و حتی جنس شکل‌ها متجلی می‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست تصاویر

تصویر۱. بشارت تولد حضرت مسیح، جامع‌التواریخ، دانشگاه ادینبرو. منبع، ۲۸ ص۲۹۵.
تصویر۲. بشارت تولد حضرت مسیح، کلیسای کاترین در مصر، اواخر سده دوازدهم/ششم، منبع، ۲۷ص۱۵۵.
تصویر۳. تولد حضرت محمد(ص)، جامع‌التواریخ، دانشگاه ادینبرو، منبع۱۶ص۹۳.
تصویر۴. تولدحضرت مسیح(ع)، نقاشی دیواری، دیوار غربی کلیسای جامع سن پطرزبورگ، سده سیزدهم/هفتم منبع، ۲۷، ص۲۰۳.
تصویر۵. غسل تعمید حضرت مسیح(ع)، آثارالباقیه، منبع ۲، ص۴۲.
تصویر۶. غسل تعمید حضرت مسیح(ع)، انجیل مارک.
تصویر۷. احترام گذاشتن بحیرای مسیحی به حضرت محمد(ص)، جامع‌التواریخ، دانشگاه ادینبرو، منبع۲۵، ص۱۴۰.
تصویر۸. احترام تئودور به حضرت مسیح، نقاشی دیواری با تکنیک موزائیک، کلیسای کرا در ترکیه، منبع۲۷، ص ۲۰۶.
تصویر۹. پیامبر همراه با یارانش، آثارالباقیه، منبع۲۵، ص۱۳۷.
تصویر ۱۰. حضرت مسیح همراه با دو تن از حواریون، کلیسایی در تراستورهٔ روم، منبع۲۴، ص ۶۱.
تصویر ۱۱. ملاقات پیامبر اکرم بانمایندگان مسیحی نجران، آثارالباقیه، منبع۲۵، ص۱۴۲.
تصویر۱۲. مسیحیان و مسلمانان در آغوش حضرت ابراهیم، انجیل.
تصویر۱۳. حضرت محمد همراه حضرت مسیح، آثارالباقیه، منبع ۲، ص۴۲.
تصویر۱۴. سران قریش در حال توطئه علیه حضرت محمد و یارانش، جامع‌التواریخ، منبع۲۵، ص۱۳۶.
تصویر۱۵. خیانت یهودا به حضرت مسیح، دیوارنگاره، نمازخانه آرنا، پادوا، ایتالیا، منبع۲۶، ص ۳۵۲.
تصویر۱۶. معراج پیامبر، جامع‌التواریخ، دانشگاه ادینبرو، منبع۲۵ص۱۳۹.
تصویر۱۷. جسد حضرت مسیح، دیوارنگاره، دیوار شمالی کلیسای مقدس کاتالویک شهر اسکوبچه در یوگسلاوی سابق، نیمه دوم سده دوازدهم/ششم، منبع۲۷، ص ۱۷۶.

www.SID.ir

فهرست منابع

۱. اسپور، دنسیس، انگیزهٔ آفرینندگی در سیر تاریخی هنرها، امیر جلال‌الدین اعلم، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۳.
۲. افشار و دیگران، مرتضی، بررسی روند نمادگرایی شمایل‌ها در نگارگری اسلامی از منظر نشانه‌شناسی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال هفتم، شماره سیزدهم پاییز- زمستان، ۱۳۸۶، صص۵۴-۳۷.
۳. پاکباز، رویین، دایره‌المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
۴. جوادی آملی، تسنیم، تفسیر قران کریم، جلد بیست و یکم، مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶.
۵. حاتمی، سهیلا، مروری بر تاریخچه هنر، انتشارات ترلان سحر، ۱۳۸۳.
۶. دورانت، ویل، تاریخ تمدن،عصر ایمان، بخش دوم، ابوالقاسم طاهری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۷. ذکرگو، امیرحسین، سیر هنر در تاریخ، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۱.
۸. ذکایی، پرویز، نسخه آثارالباقیه، ربع رشیدی، برگرفته از نامه بهارستان، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، صص ۷۰-۶۵.
۹. رجبی، محمدعلی، شاهکارهای نگارگری، تهران، موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴.
۱۰. رزسگاری، ماری، معراج نامه، سفر معجزه‌آسای پیامبر(ص)، ترجمه مهناز شایسته‌فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۱. رهنورد، زهرا، تاریخ هنر ایران، در دوره اسلامی، نگارگری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
۱۲. شاد قزوینی، پریسا، تاثیر شرق بر نقاشی اروپا(۱۹۱۴-۱۸۹۰)، انتشارات دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۴.
۱۳. شایسته‌فر، مهناز، معرفی نسخه خطی آثارالباقیه موجود در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال سوم؛ شماره ششم، بهار- تابستان ۱۳۸۶، صص ۴۲-۲۵.
۱۴. شایسته‌فر، مهناز، بررسی تأثیر سیر پیامبر اکرم (ص) بر هنر نگارگری و معماری اسلامی، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، تهران، موسسه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص۱۴۰-۱۱۹.
۱۵. شایسته‌فر، مهناز، جایگاه و نمود مذهب در نگارگری ایرانی، (ایلخانی و تیموری)، دو فصلنامه مطالعات

Archive of SID
www.SID.ir

هنر اسلامی، سال سوم شماره پنجم، پاییز-زمستان ۱۳۸۵ صص ۱۱۸-۹۷.
۱۶. صداقت، فاطمه، خورشیدی، زهرا، بررسی مضامین مذهبی در نسخ خطی جامع‌التواریخ، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، تابستان۱۳۸۸ ص ۹۱ کل صفحات ۹۸-۷۷.
۱۷. عکاشه، ثروت، نگارگری اسلامی، ترجمه غلام‌رضا تهامی، تهران، حوزه هنری، ۱۳۸۰.
۱۸. عمادزاده، حسین، تاریخ انبیاء، از آدم تا خاتم و قصص قران، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۹.
۱۹. کورکیان، ا.م، باغ‌های خیال، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۷۷.
۲۰. کتاب مقدس (شامل عهد عتیق و عهد جدید)، ترجمه تفسیری وییام گلن هنری مرتن، فاضل خان همدانی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰،
۲۱. کنبای، شیلا، نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۲. گری، بازل، نگاهی به نگارگری در ایران، عربعلی شروه، تهران، عصر جدید، ۱۳۶۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم، فقه، موسسه احیاءالکتب الاسلامیه، ج ۱۵، ۱۳۸۵.
۲۴. هارت، فردریک، تاریخ هنر رنسانس در ایتالیا نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، ترجمهٔ هرمز ریاحی و دیگران، تهران، کتابسرای تندیس، ۱۳۸۵.
25. Hillenbrand, Robert, *Persian Painting*, from the Mongol to Qajar , I.B Tauris & Co Ltd, 2000.
26. John Bowker , *The Complete Bible Hand Book,* Dorling Kindersley Limited, 1998.
27. Cormark Robin -Byzantine Art, Oxford University Press. 2000.
28. Sims, Eleanou, *Peerless Images, Persian Painting and its Sourses*, Yale university press 2002.

سایت

29. www.jomhourieslami.com.
30. www.smb.museum.

Archive of SID

www.SID.ir